

مدینه عادلۀ نظام سیاسی مطلوب ابن سینا

ابن سینا در مقاله دهم شفا و آخر کتاب نجات به دنبال چهره‌پردازی حکومت و اجتماع بشری کمال مطلوب خود است که از آن به نام مدینه عادلۀ یاد می‌کند.



ابن سینا در مقاله دهم شفا و آخر کتاب نجات به دنبال چهره‌پردازی حکومت و اجتماع بشری کمال مطلوب خود است که از آن به نام مدینه عادلۀ یاد می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، یادداشت پیش رو به قلم حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابولفضل شکوری، استاد دانشگاه تربیت مدرس است که به مناسبت روز بزرگداشت ابن سینا پیش روی شما قرار گرفته است؛

ابن سینا در یکی از فصول مقاله دهم الهیات شفا مبحثی را با عنوان «فی عقدالمدینه و عقدالبیت» یعنی چگونگی بنیادگذاری مدینه و بنیادگذاری خانواده» باز کرده است. وی در این فصل به تفصیل درباره اقشار و طبقات اهالی مدینه و قوانین حاکم بر آن سخن گفته است.

شیخ‌الرئیس در همان مقاله فصل دیگری را مفتوح ساخته که عنوان آن نیز چنین است: بحث درباره خلیفه و امام و وجوب اطاعت آنان و اشاره به انواع سیاست‌ها، معاملات و اخلاق، ولیکن وی عملاً در آن مبحث درباره انواع سیاست‌های و نظام‌های سیاسی سخنی نگفته است بلکه صرفاً نظام ترجیحی مورد نظر خود را شرح و تفسیر نموده است ولی او در مبحث خطابه از علم منطق کتاب شفا و نیز در کتاب الحکمة العروضية راجع به انواع ریاست‌ها و سیاست‌ها یعنی نظام‌های سیاسی متنوع سخن گفته و در حد اختصار تقریباً حق مطلب را ادا کرده و دیدگاه خود راجع به هر یک از نظام‌های سیاسی را به صراحت بازگو کرده است. وی در دو منبع یاد شده حتی راجع به نظام دموکراسی نیز بحث کرده است و از آن با عنوان «الدیموقراطیه»، «سیاسة الحریه» و «السیاسة الاجماعية الحریة» گفتگو کرده است.

ابن سینا در رساله احوال‌النفس خود نیز درباره انواع نظام‌های سیاسی سخن گفته و مطالب بدیعی را آورده که احتمالاً در ادوار بعدی مورد استفاده شیخ شهید سهروردی قرار گرفته و او را در تدوین مبانی فلسفه سیاسی خسروانی خود یاری رسانده است. شیخ‌الرئیس در این رساله، سیاست را بر مبانی معرفت‌شناختی استوار ساخته و چگونگی حصول معرفت برای افراد انسانی را مبنا و معیار اختیارات سیاسی آنان در جامعه قرار داده است.

در نظر وی چون پیامبر از عقل کمال‌یافته و ویژه‌ای بنام عقل قدسی برخوردار بوده و از آن طریق با منبع شناخت یعنی عقل فعال اتصال دارد. بنابراین جایگاه اجتماعی و اختیارات سیاسی وی نیز ممتاز و متمایز از دیگران است. اقشار دیگر اجتماعی نیز بر پایه همین معیار در سیاست مجتمع بشری سهم پیدا می‌کنند.

آیت الله دکتر مصطفی محقق داماد مطالب ابن سینا در رساله احوال‌النفس درباره سیاست را به شرح ذیل تلخیص و گزارش کرده است: ابن سینا در پرتو این برداشت از نبوت و اعجاز، انسانها را به چهار دسته تقسیم می‌کند: یکی از آنان که قوه نظری در آنها به حدی از صفا رسیده است که به هیچ آموزگار و مربی بشری نیازمند نیستند و قوه عملی آنان نیز به درجه‌ای رسیده است که به وسیله قوه متخیله، مستقیماً به وقایع حال و آینده علم پیدا می‌کنند و قادرند که افعال معجزه‌آمیز در جهان طبیعت انجام دهند. دسته دیگر آنان که به کمال قوه حدی دست یافته اند، ولی به کمال قوه متخیله واصل نگشته اند. دسته سوم آنان که دارای قوه نظری کاملند، ولی از قوه عملی کامل بی بهره اند و آخرین دسته آنان که بر همنوعان خویش تنها در سایه قوه عملی خویش توفیق یافته اند.

فرمانروایی به دسته نخستین تعلق دارد، زیرا آنان به واسطه عقل شان در عالم عقول می‌زیند و به واسطه نفس شام در عالم طبیعت، به واسطه آنکه آنان شایستگی تسلط و تدبیر آن را دارند. تمشیت قدرت سیاسی به دسته دوم تعلق دارد و سپس دسته چهارم قرار دارند که اشرافیت به آنان بر می‌گردد، ولی آنان که از هیچ یک از قوای فوق العاده برخوردار نیستند و مع ذلک برای کسب فضایل عملی تلاش می‌کنند، هر چند از طبقه عادی ممتازند، ولی با این حال شایسته آن نیستند که به دسته‌های سه گانه عالی‌ه ملحق گردند. [۱]

بدیهی است که مطالب یادشده و منقول از ابن سینا علاوه بر اشعار به دسته بندی اجتماعی و اقشار و طبقات مردم، به طور طبیعی به مسأله انواع نظام‌های سیاسی و دسته‌بندی آن نیز ارتباط پیدا می‌کند و شاید بتوان آنرا به گونه‌ای با تقسیمات

یونانی سیاست و حکومت مانند آریستوکراسی، الیگارش و ... مرتبط دانست. شیخ‌الرئیس این دسته‌بندی را در کتاب حکمت عروضیه و فن خطابه از منطق شفا، به نحو دیگر و به گونه مفصل‌تر آورده است و عنوان آنها را اصناف السیاسات یا مدینیات السیاسات (نظامهای شش‌گانه مدنی) برگزیده است.

انواع حکومت

شیخ‌الرئیس در مقام تنويع و دسته‌بندی نظامهای سیاسی و یا به قول خود او اصناف السیاسات مبنا را بر سنن، قوانین و آداب و رسوم مشترک مورد پذیرش مردمان یک اجتماع و مدینه می‌گذارد و معتقد است که شیوه اشتراک مردمان یک اجتماع در سنن به حسب استقرار از چهار حالت خارج نیست که در دسته‌بندی فرعی‌تر جمعا بر شش حالت و یا شش نوع سیاست، ریاست و به اصطلاح امروزی نظام سیاسی بالغ می‌گردد. اینها عبارتند از: نظام وحدانی یا استبدادی که نظام تغلبی نیز زیرمجموعه آن است. نظام کرامت، ریاست فکری، سیاست اجماعی، سیاست اختیار و سیاست مَلک که این دو شاخه اخیر به طور مشترک سیاست سقراطی یا نظام سیاسی سقراطی نامیده می‌شوند.

نظام سیاسی وحدانی

این اصطلاح ساخته ابن سیناست که آن را معادل دیکتاتوری معرفی کرده است. فارابی در این مقام واژه تغلب و متغلب را به کار می‌برده که ابن سینا آن را وافی به مقصود ندانسته و گویا معتقد است که واژه تغلب همه معانی نهفته در واژه دیکتاتوری را نمی‌رساند، بلکه فقط بخشی از مفهوم آنرا دربردارد و آن حکومت دیکتاتوری است که از راه اعمال زور و غلبه فراهم شده باشد، ولیکن ممکن است حکومتی نیز وجود داشته باشد که اصل آن از رهگذر غلبه و تغلب تأسیس نشده باشد ولی عملاً حاکمی در رأس آن قرار گیرد که نظرات دیگران را به هیچ وجه به حساب نیاورد و با اتخاذ شیوه تک‌روی به تنهایی فرمانروایی کند و مردم را به زیر یوغ بردگی و استعباد کشد، البته امروزه در ادبیات اسلامی و ایرانی چنین نظام‌های سیاسی را استبدادی می‌نامند.

نظام سیاسی کرامت

در این حکومت رئیس مدینه مصالح حکومت‌شوندگان را رعایت می‌کند نه به خاطر عوض مادی خاص، بلکه صرفاً برای اینکه آنان در تعظیم و تکریم وی بکوشند. غایت حکومت کرامت عبارت است از: حفظ کرامت، عزت و نgehانی آن از منازعان. این نوع نظام‌های سیاسی را می‌توان اعتبارطلب و افتخارطلب نامید و شباهت بسیار دارند به آنچه که امروزه نظام‌های ملی و ناسیونالیستی نامیده می‌شود که در آنها عزت و افتخارات قومی و میهنی مقدم بر همه چیز است و حتی برای حفظ آن جان و مال بذل می‌شود.

نظام ریاست فکریه (الریاسة الفکرية)

چنین اصطلاحی را افلاطون، ارسطو و فارابی به کار نبرده‌اند و لذا از واژه‌های ابداعی ابن سینا در زبان عربی است که آنرا چنین تعریف می‌کند: یکی دیگر از انواع سیاسات (نظام‌های سیاسی) ریاست فکریه است و آن چنین است که پیشوا ثروتمند باشد و ریاست، رهبری و تدبیر امور دیگران را به خاطر ثروتش به دست بیاورد اما بدون آنکه جنبه تغلب و اعمال زور داشته باشد.

نظام دموکراسی (سیاست اجماعیه)

ابن سینا در تعریف این نظام می‌گوید: سیاست اجماعی آن است که همه اهالی مدینه در برابر قانون برابر و از حقوق و کرامت یکسانی برخوردار باشند و نیز در موارد کیفری همه در برابر قانون برابر باشند. در این نظام سیاسی هیچ‌کس نمی‌تواند به جز از راه اجماع و اتفاق نظر همگان به مقام ریاست برسد. آنان هر وقت بخواهند می‌توانند آن رئیس را تغییر بدهند.

نظام سیاسی سقراطی

ابن سینا در دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از دو نظام دیگر با عنوان نظام سیاسی خیر و نظام سیاسی مَلک نام برده است. او از این دو نمونه همان مدینه فاضله یا مدینه عادله را قصد کرده است و لذا از مجموع این دو نظام با نام‌های مشترکی مانند نظام سیاسی سقراطی، نظام امامت، السیاسة الشریفة و جودة التسلط یعنی حکومت خوب یاد کرده و هدف آنها را حفظ السنة یا پاسداری از قوانین اعلام می‌دارد.

۶- نظام‌های سیاسی ترجیحی

ابن‌سینا مطلوبیت همه نظام‌های سیاسی مستقر در سرزمین‌های اسلامی آن عصر را نفی می‌کند و این اطلاق و کلی‌گویی ابن‌سینا علاوه بر امارت‌های محلی آن زمان، خلافت عباسیان در بغداد و فاطمیان اسماعیلی در مصر و آفریقا را هم در بر می‌گیرد. بنابراین آنچه که وی در ضمن مقاله دهم الهیات شفا درباره نظام امامت و خلافت آورده و آن‌را بعد از حکومت پیامبر(ص) به‌عنوان نظام مطلوب مورد بحث قرار داده است، مصداق خارجیش حکومت‌هایی مانند خلافت امویان، عباسیان، فاطمیان و یا سلطنت‌های محلی نبوده است.

حداکثر می‌توان خلافت مستقر در دوران خلفای راشدین را از آن استفاده نمود و نه بیشتر از آن و لذا باید بپذیریم که ابن‌سینا عملاً در مقام ارائه تصویر نظام سیاسی مطلوب خود، به صورت انتزاعی و عالمانه بحث می‌کند و به مصداق بیرونی مشخصی در عصر خود اشاره ای ندارد. او در مقاله دهم شفا و آخر کتاب نجات به دنبال چهره‌پردازی حکومت و اجتماع بشری کمال مطلوب خود است که از آن بنام مدینه عاده یاد می‌کند.

نقد نظر دکتر سیدجعفر سجادی

دکتر سیدجعفر سجادی در مقدمه سیاست مدنیّه فارابی، بحث کوتاهی زیر عنوان حکومت از نظر ابن‌سینا دارد که در آن با استفاده از کتاب الحکمة العروضية ابن‌سینا انواع نظام‌های سیاسی از نظر وی را برشمرده است که چهار نوع است:

حکومت دموکراسی

حکومت‌هایی که تحت سلطه ریاست‌های پست اند و ریاست اول آن نیز با پست‌ترین مردم است

حکومت اشرافی که ابن‌سینا آنرا حکومت و ریاست فاضله نامیده است

حکومت استبدادی که ابن‌سینا آنرا وحدانیه الریاسة نامیده است. غرض و هدف رئیس این حکومت، اطاعت محض خلق الله است. ابن‌سینا این شکل از حکومت را پسندیده است. [۲]

این مطلب که دکتر سجادی به ابن‌سینا نسبت داده درست نیست، چون ابن‌سینا در الهیات شفا و نیز در فن خطابه از منطق شفا که آنها را در دوران پختگی و بلوغ علمی و فکری خود در همدان و اصفهان نوشته است، سیاست الأخیار و مدینه عاده را که آن را به نحوی با نظام رهبری امامت در اسلام تطبیق داده، بر همه انواع دیگر رسالتها، ترجیح داده است.

پی‌نوشتها:

[۱] - دین، فلسفه و قانون، صص ۶۹ - ۷۰. دکتر سیدمصطفی محقق داماد، تهران، انتشارات شهاب ثاقب و انتشارات سخن، ۱۳۷۸، چاپ اول، به نقل از احوال النفس، ص ۱۲۵، تألیف ابن‌سینا.

[۲] - ر. ک: سیاست مدنیّه، ص ۷۳، تصنیف ابونصر محمد فارابی، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.